

ادامه از صفحه ۱۰

**روایت تاریخ سیاسی ازطریق سینما**

**طالبی نژاد؛** به نظر من «مسخره‌باز» فیلم عوام‌پسندانه‌ای نیست و از طرفی معتقدم نظر عامه مردم در مورد هنر چندان اهمیتی ندارد.

**طوسی؛** به نظر من باید سلیقه عامه را جوړی تربیت کرد که از این سهل‌پنداری، مقداری ارتقا پیدا کند.

**طالبی نژاد؛** در سینمای ایران فیلم‌هایی هم ساخته می‌شود که بنیابین است. اصغر فرهادی فیلمی می‌سازد که هم عامه می‌پسندند هم نخبگان. این وسط اشکال ندارد آدمی مثل غنی‌زاده یا آدم‌هایی شبیه او کارهای متفاوت انجام دهند. مشروط به اینکه دچار افراط نشوند. در «مسخره‌باز» من هیچ افراطی ندیدم. افراط را در فیلم‌هایی مثل «ناف» محمد شیروانی می‌بینم. به جمله‌ای از ناصر تقوایی در مورد انواع سینما استناد می‌کنم. او در گفت‌وگویی که داشتیم اشاره کرد: «کل فیلم‌هایی که در تاریخ سینما ساخته شده‌اند یا می‌شوند، سه حالت بیشتر ندارند. فیلم‌هایی که اقتصاد سینما را می‌سازند و به فیلم‌های تجاری معروف هستند که اتفاقاً وجودشان لازم است و اگر خوب ساخته شوند، جای خودشان را دارند. دوم فیلم‌هایی که باعث ارتقای سلیقه مخاطب می‌شوند. به نظر من فیلم‌های کیمیایی قبل از انقلاب مصداق بارز این قضیه‌اش و پلی بودند بین عوام و خواص جامعه و نوع سوم فیلم‌هایی هستند که ظرفیت‌های نامکشوف سینما را بیان می‌کنند. می‌خواهم بگویم مسخره‌باز به نوعی در پی ظرفیت‌های نامکشوف سینما رفته است. در عین تجربی‌بودنش، افراطی هم در آن نمی‌بینیم و با عامه مردم هم ارتباط برقرار می‌کند.

**طوسی؛** به قول هوشنگ گلמکانی هر فیلم باید اصول خودش را بنا کند. به نظر من مسخره‌باز آن‌گونه که باید (در چارچوب این تفسیرپذیری) متکی به خلاقیت فردی سازنده‌اش نیست. بیشتر هوشمندی و زمانه‌شناسی غنی‌زاده و تجربیات تئاتری‌اش، در شکل‌گیری چنین فضای مضحک و کابوس‌گونه‌ای مؤثر بوده است. البته نقش دیگر عوامل مؤثر مانند فیلم‌بردار، طراح صحنه و لباس و تدوینگر را نباید فراموش کرد. بد نیست که او در ادامه کارش در سینما از عناصر و شیوه‌های بیانی و ساختاری خود این مدیوم استفاده کند و از زبان نمایشی تجربه‌شده در تاتر و کارهای قبلی‌اش در این حوزه فاصله بگیرد.

**طالبی نژاد؛** خیلی موافق نیستم که منتقد برای فیلم‌ساز توصیه‌ای داشته باشد.

**غلامی؛** اینجا نتایج صورت گرفت که به نظر من خیلی نمی‌تواند محل تفریح باشد. غنی‌زاده در مسیر کار خودش حرکت می‌کند. همان‌طور که کیمیایی اگر مبنای تفکر و ایدeahش رفاقست است، مبنای کار بیضایی تم ضدسلطه‌بودن کارهایش است. همه هنرمندان در فرایندی خودشان را تکرار می‌کنند. ما با فرایند مشکل نداریم. شباه مسخره‌باز با نمایش «می‌سی‌بی پی نشسته می‌میرد» دلیل این مدعاست که تکراری ایجاد نینفته است. شما دیدگاهی دارید که در فرایند کارتان هر روز پخته‌تر می‌شود. از نظر من این تکرار نیست. فرایندی است که در کار غنی‌زاده برای بیان یک اتفاق افتاده و ادامه می‌یابد. **طوسی؛** همچنان معتقدم همایون غنی‌زاده به پش‌توانه استقبال خوب مخاطبان از نمایش «می‌سی‌بی پی نشسته می‌میرد»، برخی قسمت‌ها و وصل‌های مرعوب‌کننده این اجرا را در فیلمش آورده و در کنارش با تکثیر یک‌سری واژگان غلط‌انداز دوپهلو مانند «سونامی» و «زلزله» و «جامعه جرتی» و... به دنبال ملتهب معاصر با نگاهی نهیلیستی می‌پردازد...

**طالبی نژاد؛** باید کمی به خودمان زمان بدهیم. اصالت تجربه‌های خاص در عرصه‌های هنری در طول زمان ثابت می‌شود. اگر دو سال دیگر هم به فیلم مسخره‌باز فکر کردیم، درباره‌اش صحبت کردیم؛ قطعاً فیلم تأثیرگذاری بوده است. مثل برخی کار‌های مهرجویی یا بیضایی.

**غلامی؛** به نظر من مسخره‌باز اصلا قصد ترساندن ما را ندارد. این فیلم می‌گوید به حرف‌هایی که می‌زنم، آگاه هستم. این فیلم با نمایش «می‌سی‌سی‌بی نشسته می‌میرد» متفاوت است و مهم‌ترین تفاوتش در تکرار تفاوت است. مهم‌ترین ویژگی یک هنرمند این است که در یک فرایند بتواند خودش را تکرار کند و با خودش متفاوت باشد. این تفاوت را در بخش‌های مختلف فیلم می‌بینیم. یکی از آنها موتیف‌های تکرارشونده است. نکته مهم دیگر، کابوس‌های این شخصیت‌ها است. وقتی کارگردانی می‌تواند این کابوس‌ها را در سینما نشان بدهد، در کارش موفق است. کاظم‌خان در تمام لحظه‌ها با هراس از خواب بلند می‌شود و همواره کابوس می‌بیند. غنی‌زاده این کابوس بلند بدم نشان بدهم تاریخ من بر از کابوس است. آدم‌های من خواب‌های‌شان هم پر از کابوس است.

**طوسی؛** به این نکته نیز توجه داشته باشیم که فیلم چند پایان‌بندی دارد و نهایتاً ترجیح می‌دهد در دل این فضای مضحک و جفنک و آمیخته با طنز سیاه، به بیانی رومانس‌گونه متوسل شود.

**طالبی نژاد؛** هنوز معتقدم «مسخره‌باز» فیلم ساد‌های است و ارتباط برقرارکردن با آن ساده است و اما بد نیست به بازی‌ها هم اشاره کنیم. تقریباً همه بازیگران فیلم بهترین بازی‌های‌شان را ارائه کردند. علی نصیریان، هدیه تهرانی و صابر ابز از کلیشه‌های‌شان فاصله گرفتند و در این فیلم بهترین بودند.

**شهرزاد همتی؛** باغ بی‌برگی، چشم‌هایش، موسی و شبان، غزل در این سرای بی‌کسی و...! این نام‌ها تنها بخشی از حذفیات کتاب ادبیات دبیرستان است؛ کتابی که پر بود از داستان‌های پررمز ایرانی و ادبیات جهان. ولی

حالا خبری از هیچ‌کدام از این درس‌ها نیست. زمانی کتاب ادبیات فارسی، از آغاز دوران راهنمایی که حالا تبدیل به متوسطه اول شده، جز، پربارترین و باکیفیت‌ترین کتب درسی محسوب می‌شد. کتاب ادبیات با شعرها و متون نظم و نثری که در آن وجود داشت حتی برای غیردانش‌آموزان نیز محل بحث شده و کاربران زیادی درباره آن اظهارنظر کرده‌اند.حدود یک سال از پایان تحصیل به یادگار نگه می‌داشتند تا گاهی آن را توریق کنند و دوباره به داستان‌ها و اشعار زیبایش سرک بکشند. حالا اما چندسالی می‌شود که حذف متون مهم ادبیات از کتاب‌های درسی در سکوت آغاز شده است؛ مسئله‌ای که به گفته دبیران ادبیات، از سال ۸۸ کلید خورده و تا امروز ادامه دارد. این موضوع اخیراً در شبکه‌های اجتماعی دوباره محل بحث شده و کاربران زیادی درباره آن اظهارنظر کرده‌اند.حدود یک سال از آمدن حجت‌الاسلام علی ذوعلم به سازمان پژوهش و تالیف کتب درسی می‌گذرد. برخی از اخبار حکایت از انجام تعدادی از این تغییرات و حذفیات در این دوره دارد. حجت‌الاسلام ذوعلم، در گفت‌وگو با «شرق» با تأکید بر اینکه تغییرات اعمال‌شده ربطی به مدیریت او ندارد، می‌گوید: «این تغییرات مال الان نیست. اینکه با طراحی کتاب‌های جدید بخش از دبستان برنمی‌آیند». این معلم در پایان خاطرنشان کرد: «ادبیات سه سال قبل است. امسال کتاب‌های ادبیات تغییری نکرده است و ما هیچ چیزی را نه حذف کرده‌ایم و نه تغییر داده‌ایم.» بهشتی‌نیا، معلم ادبیات آموزش‌وپرورش و نویسنده، در گفت‌وگو با «شرق» نیز با اشاره به اینکه روند تدریجی حذف متون و اسامی از کتب درسی بیش از ۱۰ سال است که آغاز شده، می‌گوید: «از سال ۸۴ طرحی آزمایشی برای تغییرات کتب درسی آغاز شد. من آن سال در گروه‌های آموزشی بودم و فصل توانستم نسخه آزمایشی تهیه‌شده را ببینم؛ نسخه‌ای که بسیار خوب و پرمفz بود. اما سال بعد از همین نسخه آزمایشی یک‌سری متون حذف شد. بعد آرام‌آرام اسامی و چند خط از یک مطلب حذف می‌شد. شاید اگر بگویم این جرح‌وتعدیل‌ها حتی به یکی از متون غلامعلی حدادعادل هم رسیده باورتان نشود. حدود سه سال پیش، از ادبیات یک‌سری هفتم و دهمی از غلامعلی حدادعادل که درباره زبان فارسی بود بخشی حذف شده است! همان بخشی که می‌گوید من ایرانی هستم و چون با زبان فارسی حرف می‌زنم ایرانی‌ترم. این بخش را حذف کرده‌اند.

وی در ادامه افزود: «مثلاً محمود حکیمی داستانی با نثری بسیار شیوا دارد که درباره حمله مغول‌ها به ایران است. این متن حذف شده است. کتاب ادبیات یازدهم و دوازدهم حذفیات زیادی دارد. اما این مسئله تنها

## جامعه

نگاهی به حذف آثار و نام‌های فاخر ادبیات فارسی از کتاب‌های درسی

## حذف غول‌ها از کتاب ادبیات مدرسه



محدود به کتاب ادبیات نیست. در بحث زبان فارسی و قانون و نگارش، تمام مثال‌های کتاب را تغییر داده‌اند.»

وی در پاسخ به این سؤال که آیا جای این مطالب حذف‌شده مطالبی آمده که کیفیت خوبی داشته باشند و بشود گفت اگر فلان مطلب حذف شده درعوض آن یکی مطلب بهتر هم اضافه شده؟ این‌طور می‌گوید: «راستش من چیز بهتری پیدا نکرده‌ام. با وجود اینکه نام‌های معتبری در میان مؤلفان دیده می‌شود، ولی فکر می‌کنم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی کتب درسی اجازه تغییرات نمی‌دهد و ما هم جز اعتراض رسانه‌ای کاری از دستمان برنمی‌آیند». این معلم در پایان خاطرنشان کرد: «ادبیات جان‌مایه تمام دروس است و کتاب مشترک بین همه رشته‌هاست. حتی در دروس دانشگاهی ادبیات درس مشترک است و نمی‌شود تغییرش داد و باید خاطرم‌ان باشد که ادبیات حذف‌نشدنی است. اما چند اتفاق در سال‌های اخیر، ادبیات در کتاب‌های درسی را به بیراهه برده؛ یکی بحث کنکور است که به همین دلیل سال‌هاست نگاه تستی بر ادبیات غالب شده. در این شرایط برای دانش‌آموزان مهم نیست متن از کیست و فصل تست‌زدن مهم است، از طرفی چون حجم متون کتاب بالاست، به همین دلیل معلم هم وقت نمی‌کند حرفی بزند و شعری بخواند. این در حالی است که معلم اگر ذوق نداشته باشد نمی‌تواند زیبایی ادبیات فارسی را به دانش‌آموز منتقل کند. به نظر می‌رسد مسئولان فعلی تدوین کتب درسی روی ادبیات فاخر حساس هستند و معمولاً متونی که حماسی یا اعتراضی بوده حذف شده است.»

مطابق پیگیری‌های خبرنگار «شرق»، حذف دروسی مانند «غزل در این سرای بی‌کسی» اثر سایه، «غزل جوانی» رهی معیری، شعر «به کجا چنین ششتان» شفیقه‌ی‌دکنکی، شعر «باغ بی‌برگی» اخوان‌ثالث، یک داستان از غلامحسین ساعدی، یک داستان از بزرگ علوی، داستان «موسی و شبان»، رباعیات خیام، داستان «هدیه سال نو» اثر اهنری و

بیابان‌های ایران، به دلیل فاصله دوری که گیاهان در چنین اکوسیستم‌هایی دارند، اندازه مربع‌های نمونه‌برداری باید بسیار بزرگ‌تر باشد. لئونارد حتی از مربع‌های صد در صد متر استفاده کرده است. درباره جنگل نیز به‌طور معمول مربع‌هایی که در بسیاری از پژوهش‌های اخیر استفاده شده است، حدود ۲۰ در ۲۰ متر است. آنچه باید در این مربع‌های نمونه‌برداری بررسی می‌شد- که در گزارش به‌هیچ‌عنوان به آنها اشاره نشده است- عبارت است از: ۱) فهرست دقیق گونه‌های هر مربع، ۲) میزان پوشش و فراوانی آنها و ۳) نمونه‌برداری خاک و تعیین ویژگی‌های فیزیکی و شیمیایی در آزمایشگاه. سپس این داده‌ها باید به دقت تحلیل شود که بر اساس اندکس‌های معتبر تنوع زیستی مانند شانون و سیسمن چه تفاوت‌هایی دارند، چه گونه‌های اندمیکی در آنها وجود دارد و وضعیت حفاظتی این گونه‌ها بر اساس طبقه‌بندی اتحادیه جهانی حفاظت از محیط زیست (IUCN) چگونه است. در ضمن در هر مورد مشخص می‌شد که احداث این لوله‌ها انتقال آب، بقای گونه‌ای و جمعیتی آنها را تا چه حد تحت تأثیر قرار می‌داد. در ادامه در گزارش به ۲۷ واحد عمده پوشش گیاهی اشاره شده است که مشخص نیست این تپ‌ها بر اساس تحلیل مربع‌های نمونه‌برداری است (که باید توضیح داده شود چگونه با ۲۵ مربع می‌توان ۲۶ تپ را تشخیص داد!). آیا این تپ‌ها بر اساس مشاهدات چشمی یا فرض ذهنی نویسنده(گان) است؟ نام همه این تپ‌ها بر اساس ذکر نام جنس گیاهی است که هیچ‌کدام واجد اعتبار علمی

۱۰ روز کار صحرایی در منطقه هیرکانی خزری و دشت و کاربرد تصاویر ماهواره‌ای مورد بررسی و شناسایی قرار گرفته است. در این بررسی‌ها در محل هر تپ پس از تعیین و در‌ست‌نمایی اندازه قطعه دقیق کوادرات اپلات با مربع نمونه‌برداری برای شناخت دقیق موجودی در آن و درصد عناصر تپ، دو کوادرات در ۲ در ۲ در دشت و در موارد لازم تا ۱۵ کوادرات ۱۰ در ۱۰ در بخش جنگلی اجرا، گردید و اندازه‌گیری‌های لازم در آنها انجام شده است.» در متن به هیچ منبعی اشاره نشده است و به نظر می‌رسد نویسنده(گان) یا از منابع علمی که پوشش گیاهی مسیر را تحقیق کرده‌اند، اطلاعی نداشته‌اند یا بعد از بررسی متوجه شده‌اند این منطقه کاملاً بکر و تحقیقی در آن انجام نشده است. اگر منبعی بوده است و استفاده نشده که کم‌کاری تهیه‌کنندگان است و اگر نبوده، پس کار سخت است و وظیفه کارفرمادی که آتی تحقیق را انجام دهد. آنچه از اطلاعات بعدی گزارش برداشت می‌آید که نویسندگان فرض دوم را مبنی بر گزارش خود قرار داده‌اند و آنچه نگاشته‌اند، بر اساس همان ۱۰ روز کار صحرایی است. جمله مربوط به مربع‌های نمونه‌برداری کاملاً مبهم است و به‌درستی نمی‌توان مشخص کرد چه تعداد مربع در مسیر مورد بررسی قرار گرفته است. ولی با توجه به زمان مورد استفاده (یعنی ۱ روز) همان حد اکثر ۱۰ مربع نمونه‌برداری ۲ در ۲ متر در دشت و ۱۵ مربع نمونه‌برداری ۱۰ در ۱۰ متر را در جنگل می‌توان قبول کرد. به عبارتی به طور متوسط در هر ۱۸ کیلومتر یک مربع برداشته شده است. در ضمن در متدولوژی ذکر نشده که از این مربع‌های نمونه‌برداری چه داده‌هایی استخراج شده است.

مثلاً این روش جمع‌آوری اطلاعات بر مبنای روش براون بلانکه (روشی که در آن همه گیاهان هر مربع فهرست و میزان فراوانی و پوشش آنها تعیین می‌شود) بوده است؟ ذکر جمله استفاده نکردش تیپولوژی (که فاقد اعتبار علمی در علم پوشش گیاهی است)، نشان می‌دهد که تهیه‌کننده(گان) این گزارش اصلاً با حاکمه سازمان علمی مطالعات محیطی گیاهی و تنوع زیستی آشنایی نداشتند. البته در ۱۰ روز کاری میدانی نمی‌توان انتظار داشت که در این مسیر طولانی اطلاعات علمی درستی جمع‌آوری شود. اگر تهیه‌کننده گزارش ۱۰ روز کاری را در مسیر به جمع‌آوری داده مشغول بوده باشد، در هر روز باید ۴۵ کیلومتر را مطالعه می‌کرده که به‌شدت غیر امکان‌پذیر نیست، با توجه به شب‌ب تند منطقه و تغییرات بسیار شدیدی که با تغییر ارتفاع در ترکیب پوشش گیاهی دیده می‌شود. انتظار است تهیه‌کننده گزارش حداقل در هر کیلومتر یک مربع نمونه‌برداری آن‌هم با روش فلورزیستیک و ثبت همه اطلاعات خاک‌شناسی در مسیر مطالعه می‌کرد که بر این اساس برای بررسی اثرات زیست‌محیطی این انتقال حداقل ۴۵۰ کیلومتر مسیر لوله‌کشی خواهد شد که جمع طول لوله‌ها ۶۵۰ کیلومتر است. طبیعی است انتظار است گزارش ارزیابی زیست‌محیطی کل مسیر ۴۵۰کیلومتری حداقل به عرض یک کیلومتر مطالعه شده باشد و شواهدی بر نداشتن تأثیرات جدی زیست‌محیطی در این مسیر وجود نداشته باشد. در صفحات ۲-۲۵۱- در اولین پاراگراف آمده است: «پوشش گیاهی در محدوده طرح با نگرش تیپولوژی و با نکیه بر مطالعات میدانی طی

داستان «سپاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ» به صورت کامل حذف شده‌اند. همچنین سه جمله از داستان قاضی بست، نام صادق هدایت از داستان کباب غاز جمال‌زاده، بخش‌هایی از خاطرات اسلامی‌ندوشن، نام محمود دولت‌آبادی، نام مشفق کاظمی و عباس خلیلی و شعر مادر ایرج‌میرزا نیز از دیگر حذفیات هستند و به‌جای این حذفیات از آثار رضا امیرخانی، علی سہامی، امیری اسفندقه، معصومه آباد، کیوان شاه‌باغ‌خان، فاضل نظری، عیسی سلمانی لطف‌آبادی، کامور بخشایش، مجید واعظی، نظام وفا و ضیاءالدین شفیعی اضافه شده‌اند.

محمد هاشمی، کارشناس آموزشی، نیز در گفت‌وگو با «شرق» در همین رابطه این‌طور می‌گوید: «من هم در جریان جزئیات حذفیات از کتب درسی هستم، اما حقیقت چیزی نیست که در شبکه‌های اجتماعی مطرح می‌شود و داستان را بزرگ می‌کنند؛ مثلاً گفته می‌شود شاهنامه فردوسی از کتاب‌های درسی حذف شده، اما واقعیت این است که شاهنامه نه‌تنها حذف نشده، بلکه حجم پرداختن به آن بسیار هم اضافه شده است.» وی می‌افزاید: «دلیل اینکه چرا برخی از دروس حذف شده‌اند را نمی‌شود بیان کرد، این حذفیات به صورت عمده مال امسال نیستند و هر سال بر اساس نظام آموزشی تغییراتی در کتب اتفاق افتاده؛ مثلاً سال گذشته در درس علوم تغییراتی داشتیم، امسال هم نه‌تنها در کتاب ادبیات، بلکه در کتاب ریاضی هم تغییراتی اعمال شده است. دلیل این‌جابه‌جایی و تغییرات را نمی‌توانم درک کنم، اما می‌دانم بر اساس تغییراتی که در دفتر تالیف کتب درسی اتفاق می‌افتد این تغییرات اعمال می‌شود.»

وی همچنین تصریح کرد: «نکته اصلی این است که باید دید این تغییرات چه تأثیری در نظام آموزشی دارد؟ با حذف‌کردن مطالبی که در سال‌های گذشته بخشی از خاطره جمعی و اشتراکی بین دانش‌آموزان بوده، مثل داستان بزرگ علوی یا مسافرت آقای هاشمی در کتاب اجتماعی، نوستالژی مشترک نسلی از دست می‌رود. از طرفی باید توجه کرد که سرانه مطالعه در کشور ما بسیار پایین است و با حذف مفاخر از کتاب‌های درسی، بچه‌های ما با آثار و نام‌های مهمی مانند محمود دولت‌آبادی و صادق هدایت آشنا نمی‌شوند و فرصت آشنایی با ادبیات کهن گرفته می‌شود. نکته بعدی در این زمینه اطلاع‌رسانی‌نکردن قبل از شروع سال درباره این تغییرات است که برای معلمان مشکل‌ساز می‌شود. امسال توزیع کتب را از فروش لوازم‌التحریر جدا کردند و به مدارس سپردند و برخی دانش‌آموزان ما تا ۲۴ مهر کتاب نداشتند و دبیر هم نمی‌دانست چه تغییراتی در کتاب ایجاد شده. این عدم اطلاع‌رسانی باعث سردرگمی معلم می‌شود. سال گذشته فلان شعر در کتاب درسی بوده و الان نیست و دلیلش را اگر کسی پرسد، معلم نمی‌داند چه جوابی بدهد.»

نیست. برای نمونه در تپ ۲۳ آمده است –Gypsoph- cium – Heliotropium- Pycnocycla- Andrachne Ly- جنس گیاهی ایلامی آمده است. نگارنده سال‌ها در پوشش گیاهی هم بخش جنگلی و هم بخش بیابانی منطقه تحقیق می‌کند؛ ما چنین ترکیبی از گیاهان نمی‌توانیم به صورت جامعه داشته باشیم. برای نمونه مشخص نشده است کدام گونه جنس آفتاب‌پرست؛ ما در مسیر سمنان تا دامغان گونه از جنس آفتاب‌پرست داریم. به مورد بقیه نام‌ها هم عین همین مورد است. به عبارتی این ۲۶ تپ فاقد اطلاعات علمی درخو ر اتکا و بخش وسیعی از مناطق بیابانی دیده می‌شوند. در درباره پوشش گیاهی است و بر اساس آن نمی‌توان نتیجه گرفت که اجرای این طرح کدام جامعه گیاهی یا گونه گیاهی را تهدید خواهد کرد. جالب است که در ۱۸ مورد از ۲۶ تپ نام درمنه آمده است! درمنه یک جنس گیاهی بزرگ است که گونه‌های آن از سواحل خزر تا بخش وسیعی از مناطق بیابانی دیده می‌شوند. در منطقه مدنظر حداقل پنج گونه از جنس درمنه است که تفاوت فاحش اکولوژیکی دارند؛ درصورتی‌که در جدول صفحه ۳- ۵۷- فقط به دو نام اشاره شده است که اگر گونه درمنه این ۱۸ تپ مختلف از این دو تشکیل شده باشند، کاملاً غلط است. در جدول ۳- ۵۷- فهرستی از ۹۶ گونه گیاهی از مسیر لوله‌کشیده آمده که بسیار جالب است. اگرچه نویسنده(گان) هیچ اشاره‌ای به روش‌شناسی تهیه این جدول نکرده و نمی‌توان فهمید آیا از مشاهدات مستقیم آنها بوده است یا نه؟

ادامه در صفحه ۱۵

**پوشش ملی خیریه بهنام دهش پور و مای لیدی؛**

### یک سال آگاه‌سازی زنان ایرانی برای مبارزه با سرطان پستان



مهر تا ۳ آبان‌ماه، در تهران و چند شهر دیگر از جمله این اقدامات بود. در این ایستگاه‌ها افرادی همه روزه با بخش بروشورهای، زنان را با اطلاعات کاربردی و آموزشی در پستان، می تواند شانس تشخیص و درمان زودهنگام این بیماری را تا حد قابل توجهی افزایش دهد. در همین راستا امسال موسسه خیریه بهنام دهش پور و شرکت زین روپا با شاخه مای لیدی در نخستین سالگرد پوشش مشترکشان با شعار چند دقیقه برای یک عمر، نسبت به سرطان پستان رایج‌ترین سرطان در میان زنان است. به گفته متخصصان و فعالان این حوزه، معاینات شخصی یا خودآزمایی‌های مستمر و منظم به‌عنوان شیوه‌ای کم هزینه و مهم در تشخیص زودهنگام سرطان پستان، می تواند شانس تشخیص و درمان زودهنگام این بیماری را تا حد قابل توجهی افزایش دهد. در همین راستا امسال موسسه خیریه بهنام دهش پور و شرکت زین روپا با شاخه مای لیدی در نخستین سالگرد پوشش مشترکشان با شعار چند دقیقه برای یک عمر، نسبت به آگاه‌سازی زنان برای انجام معاینات منظم ماهیانه پستان اقدام کردند؛ برپایی ده‌ها ایستگاه اطلاع‌رسانی، ۳۰

خبر

**جمع آوری ۸۰۰ کودک خیابانی**

● **ایلنا؛** استاندار تهران از جمع‌آوری ۸۰۰ کودک خیابانی که اغلب آنها افغانستانی هستند، خبر داد. انوشیروان محسنی‌بندی، در پاسخ به این پرسش که استانداری اعلام کرده است کودکان خیابانی جمع‌آوری‌شده از اتباع افغانستانی هستند، درحالی‌که مدیر کل اتباع وزارت کشور می‌گوید، عمده این کودکان تبعه کشورهای بنگلادش و آفریقا هستند، در نهایت این کودکان بیشتر از چه کشورهایی هستند، گفت: کودکان جمع‌آوری‌شده افغانستانی هستند و ما مستندات آن را نیز داریم. تاکنون نیز در حدود ۸۰۰ کودک خیابانی جمع‌آوری شده که اغلب آنها از اتباع افغانستانی هستند.او درباره اظهارات فرماندار تهران مبنی بر اینکه با جمع‌آوری کودکان خیابانی چهره شهر را از ناپاکی‌ها و زشتی‌ها پاک می‌کنیم، گفت: قصد و نیت ما حفاظت و مصون‌نگه‌داشتن این کودکان از آسیب و خطر است و می‌خواهیم کودکی سالم و مناسبی را تجربه کند.

#### راه‌اندازی سامانه شفافیت در کارشناسی پرونده‌های قضائی

● **مهر؛** مععاون کارشناسان رسمی مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه از راه‌اندازی سامانه ایجاد شفافیت در امر کارشناسی خبر داد.بهنام پالیزکیز، با اشاره به اهمیت و جایگاه امر کارشناسی در کشور، گفت: بیش از ۳۳ رشته گروه کارشناسی در کشور داریم که در زمینه‌های مختلف به جامعه اداری و سازمانی خدمات می‌دهند.او افزود: باید به سمت شوراها و تشکل‌های سیاست‌گذاری برویم و از طرف دیگر آموزش‌ها و کلاس‌های عمومی را برای افزایش سطح آگاهی کارشناسان بالا ببریم تا کمتر دچار تخلف شوند تا اگر تخلفی هم می‌شود، در راستای نداشتن و نه از قصد باشد. یکی از آیت‌هایی که حتی در دیدار با رئیس قوه قضائیه مطرح شد، موضوع سامانه شفافیت در امر کارشناسی است که درصد هشتم سامانه در مرکز تأسیس شود تا اطلاعات ارزیابی‌ها و قیمت‌گذاری‌ها در نقشه پهنه کشوری قرار گیرد تا کسانی که تمایل دارند در جهت تقریب قیمت‌ها از آن استفاده کنند.پالیزکیز در پاسخ به این پرسش که این سامانه چه زمانی راه‌اندازی می‌شود، گفت: درحال‌حاضر مشغول کار هشتم و در مرحله انجام است و در حال طراحی سامانه ارجاع‌هوشمند هستیم. سامانه ارجاع، اتوماسیونی است که همه اتجا ثبت کند و کارشناس را بدون جانب‌داری و براساس ظرفیت و صلاحیت داده شود و این دید غایی و نهایی ماست. الان در مرحله طراحی این نرم‌افزار هستیم و به‌محض اینکه آماده شد، اجرا می‌شود و این افق مثبت برای کسانی است که می‌خواهند کار عادلانه ایجاد کنند.

#### زنگ‌نماز اجباری، ولی شرکت دانش‌آموزان در آن اختیاری است

● **ایسنا؛** معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه زنگ نماز برای مدیران مدارس اجباری است و هر مدیری موظف است ۲۰ تا ۳۰ دقیقه در برنامه درسی برای زنگ نماز خالی کند، گفت: ولی حضور دانش‌آموزان اختیاری است و الزام و اجباری برای شرکت در نماز وجود ندارد. علیرضا کاظمی، با بیان اینکه با تمام توان سعی می‌کنیم با روش‌های تبلیغی و ترویجی دانش‌آموزان را به نماز دعوت کنیم، اظهار کرد: هر پدر و مادر و هر مسئول و معلمی مکلف است براساس فرامین الهی که به اقامه نماز کمک کند.کاظمی همچنین از تشکیل شبکه باوران معروف خبر داد و گفت: تولید محتوا و تهیه دست‌وَرالعمل در حوزه امر به معروف و نهی از منکر برای اولین‌بار در آموزش و پرورش انجام و از سال گذشته به مدارس ارسال شد. شبکه یادآوران و باوران معروف نیز در مدارس تشکیل شده و با شعار «هر مدرسه یک باور معروف و هر کلاس یک یادآور معروف» پیش می‌رود، در ابتدای راه هستیم و به توجه، تبیین و تشویق نیاز داریم.